

کاربست مؤلفه‌های حوزه توزیع تربیت اقتصادی در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر آموزه‌های اسلامی^۱

زهرة موسی‌زاده^۲

فائزه عظیم‌زاده اردبیلی^۳

فاطمه صنعتی^۴

چکیده

تربیت اقتصادی به تبعیت از اقتصاد، دارای سه حوزه تولید، توزیع و مصرف است. هدف این پژوهش، تبیین مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در حوزه توزیع براساس آموزه‌های اسلامی است تا بر مبنای آن برنامه‌های آموزشی متناسب با جامعه اسلامی برای این حوزه طراحی شود. این پژوهش با روش تحلیل متن قیاسی - استقرایی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش آیات قرآن کریم است؛ به این ترتیب که به روش نمونه‌گیری هدفمند، آیاتی که با موضوع پژوهش ارتباط داشتند، به عنوان نمونه انتخاب شدند. از پرسش‌نامه محقق ساخته به منظور تأیید تناسب مقوله‌های استخراج شده با اهداف پژوهش استفاده شد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که این مؤلفه‌ها در حوزه توزیع در سه مقوله هدف توزیع، ابزارهای مالی توزیع و آسیب‌شناسی توزیع ثروت به همراه زیرمقوله‌هایشان قابل طبقه‌بندی است: ذیل مقوله هدف توزیع زیرمقوله برقراری عدالت، ذیل مقوله ابزارهای مالی توزیع زیرمقوله‌های انفاق، قرض، زکات و خمس و ذیل مقوله آسیب‌شناسی توزیع ثروت زیرمقوله مفاسد اقتصادی استخراج و تبیین شد.

واژگان کلیدی

تربیت اقتصادی، توزیع، آموزه‌های اسلامی، آموزش و پرورش

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۲/۱۱؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۹/۱۵

zmusazadeh@yahoo.es

۲- استادیار گروه علوم تربیتی و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خاوران

azimzadeh@isuw.ac.ir

۳- استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خاوران

۴- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خاوران (نویسنده مسؤول)

fatemehati@gmail.com

۱- تبیین مسئله

جهان امروز دریافته است که تعلیم و تربیت آشکار و پنهان افراد نوعی سرمایه‌گذاری ملی است و هر کشوری که در این راه بیشتر بکوشد، بی‌تردید، از ثمرات آن در آینده برخوردار خواهد شد. بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت و توسعه در جوامع پیشرفته نیز نشان می‌دهد که همه این کشورها از نظام تربیتی توانمند و کارآمدی برخوردارند. این کشورها در برابر هرگونه ضعف در فهم مفاهیم و مهارت‌های مربوط به تصمیم‌گیری و تحلیل اقتصادی حساس‌اند و برنامه‌هایی را به‌منظور مقابله با آن، از سطح کودکان تا دانشگاه، از طریق برنامه‌های رسمی و غیررسمی تدارک می‌بینند (بیغمی و تورانی، ۱۳۹۰).

اتخاذ تصمیم‌های اقتصادی مهم در چهارچوب نقش‌های مصرف‌کننده، تولیدکننده و سرمایه‌گذار زمانی فراهم می‌شود که افراد جامعه مفاهیم اقتصادی و کاربرد آن‌ها را درک کنند و تصمیم‌های اقتصادی مؤسسه‌ها، دولت و افراد را تشخیص دهند. تربیت اقتصادی برای سلامت اقتصاد ملی در هر جامعه‌ای امری حیاتی است و به شهروندان اجازه می‌دهد که طرح‌هایی را برای آینده مالی موفق تدوین کنند، درک بهتری از سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت داشته باشند و مهارت‌های لازم برای رسیدن به اهداف شخصی مانند پس‌انداز، آموزش عالی و سرمایه‌گذاری را کسب کنند (سانتامروا، ۲۰۰۳).

تعلیم و تربیت اقتصادی از دیرباز مورد توجه بوده است. ایدئولوژی‌ها، فرهنگ‌ها، تمدن‌های بشری و ادیان مختلف همگی به زبان‌ها و شیوه‌های گوناگون، به مباحث اقتصادی، و آموزش و تربیت اقتصادی افراد پرداخته و رفتارهای اقتصادی آن‌ها را مدیریت کرده‌اند.

ریشه‌های توجه به فرهنگ و تربیت اقتصادی در تمدن اسلامی ایرانی و در میان علما و حکمای مسلمان را باید در جامعیت تعالیم دین مبین اسلام در توجه به همه ابعاد زندگی انسان مسلمان و وجود دستوراتی در همه زمینه‌ها در میان آموزه‌های این دین دانست. در کنار این تعالیم، آشنایی با میراث تمدن‌های ایرانی، یونانی و هندی، و استفاده از دستاوردهای این تمدن‌ها موجب خلق آثار ارزشمند در حوزه‌های گوناگون فرهنگ از جمله فرهنگی خاص در زمینه تدبیر معیشت و اقتصاد شد. به‌طور کلی، در سده‌های میانی، دانش اقتصاد به‌معنای امروزی مدون نشده و برخی مسائل اقتصادی در «علمی» مانند «سیاست مدن»، «تدبیر منزل» و «علم اخلاق» که اجزای سه‌گانه «حکمت عملی» (یکی از دو بخش فلسفه) بوده‌اند، مطرح می‌شده است. در این گونه آثار درباره مقوله‌هایی

همچون کالا، ارزش، قیمت، پول، بازرگانی و مبادله‌ی کار و تقسیم کار، مزد، فقر و ثروت و امثال آن می‌توان اطلاعات فراوان و کاربردی به‌دست آورد (طنینانی و زاهدی‌وفا، ۱۳۹۱).

در سال‌های اخیر نیز اقداماتی درباره‌ی بحث تربیت اقتصادی صورت گرفته که از مهم‌ترین آن‌ها در اسناد بالادستی همچون سند تحول آموزش و پرورش است که در آن تربیت اقتصادی به‌عنوان یکی از ساحت‌های تربیت مورد نظر قرار گرفته است؛ ضمن این که محققان و متخصصان حوزه‌ی تعلیم و تربیت و اقتصاد در داخل کشور پژوهش‌هایی انجام داده‌اند؛ اما هنوز مؤلفه‌ها و استانداردهایی در زمینه‌ی تربیت اقتصادی که متناسب با نظام جمهوری اسلامی باشد، به‌طور یکپارچه مدوّن نشده است. با بررسی پیشینه‌ی تحقیق این نتیجه حاصل شد که اکثر پژوهش‌ها به‌طور کلی به مسئله‌ی تربیت اقتصادی (حیدری، ۱۳۸۰؛ طهماسبی سروستانی، ۱۳۷۹؛ جدیری، ۱۳۷۸) پرداخته و پژوهش‌های محدودی هم به طراحی برنامه (بیغامی و تورانی، ۱۳۹۰) و تدوین الگوی اسلامی ایرانی فرهنگ اقتصادی با استفاده از آثار تمدن اسلامی (طنینانی و زاهدی‌وفا، ۱۳۹۱) اقدام کرده‌اند؛ بنابراین، به‌دلیل نبود چهارچوب سازمان‌دهی شده در این زمینه، این پژوهش با استناد به آیات قرآن کریم به‌دنبال تبیین مؤلفه‌های تربیت اقتصادی است و بر مبنای آن، استنباط تربیتی بیان می‌شود که قابلیت کاربرد در نظام آموزشی برای تدوین اهداف شناختی، نگرشی و توانشی را دارد.

با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان گفت دغدغه‌ی اصلی برای پرداختن به مسئله‌ی تربیت اقتصادی در حوزه‌ی توزیع در این پژوهش و تبیین مؤلفه‌هایش این است که مسئله‌ی تربیت اقتصادی برای تدوین اهداف آموزشی در ابعاد دانش، نگرش و توانش هیچ سامانی ندارد و در زمینه‌ی تدوین اهداف و برنامه‌های تعلیم و تربیت رسمی و عمومی در عرصه‌ی اقتصاد، مبتنی بر تجارب دنیا و ارزش‌های دینی و فرهنگی اسلامی، تاکنون کار جامعی انجام نشده است؛ در حالی که در کشورهای غربی و ذیل اقتصاد سرمایه‌داری، موارد متعددی وجود دارد که مترصد انتقال الگو و تجربیات خود برای کشورهای دنیا نیز هستند؛ به همین سبب، ضروری است با نگرشی ملی و به‌خصوص اسلامی، در این مورد چاره‌اندیشی و سرمایه‌گذاری شود. برای تدوین اهداف آموزشی، ابتدا مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در حوزه‌های مختلف متناسب با جامعه براساس آموزه‌های اسلامی استخراج و سامان‌دهی شود تا آموزش و پرورش بتواند براساس این مؤلفه‌ها به تدوین اهداف آموزشی برای دانش‌آموزان بپردازد؛ بنابراین، پژوهش حاضر به دومین حوزه‌ی مورد نظر در تربیت اقتصادی، یعنی توزیع اختصاص دارد.

۲- روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات کیفی است. پژوهشگر با توجه به مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در

دانش متعارف، منابع اسلامی را مطالعه و تحلیل کرده‌اند. هدف از به‌کارگیری این روش در این پژوهش، دستیابی به مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در حوزه توزیع براساس آموزه‌های اسلامی است. به‌منظور تحلیل محتوا از روش قیاسی - استقرایی استفاده شده است. در این روش، ابتدا مقولات به‌طور قیاسی با استفاده از نظریه‌های متعدد در حوزه تربیت اقتصادی تشکیل می‌شوند و با استناد به این مقولات، کدگذاری آغاز می‌شود. اما پژوهشگر در طی تحلیل متون با غرق شدن در داده‌ها به‌طور استقرایی به درک جدیدی دست می‌یابد که برگرفته از تعامل متن و زمینه است (ابوالمعالی، ۱۳۹۲). در این پژوهش، پس از بررسی آیات قرآن کریم، به جست‌وجوی آیات با مضامین اقتصادی پراخته شد و از میان آن‌ها کدهای مرتبط با توزیع که ۵۵ کد بود، استخراج و تحلیل، و در قالب مقوله‌هایی طبقه‌بندی شد؛ سپس از میان این کدها با توجه به پیشینه پژوهشی که در زمینه تربیت اقتصادی وجود داشت، کدهایی که به‌طور واضح‌تر به مباحث توزیع مرتبط و قابل بهره‌برداری تربیتی بودند، غربال شدند و دوباره ذیل مقوله‌ها و زیرمقوله‌هایی با تحلیل استقرایی طبقه‌بندی شدند. مفاهیم، مقولات و زیرمقولات به‌طور عمده با استفاده از تحلیل استقرایی از متون مورد مطالعه استخراج شدند (ابوالمعالی، ۱۳۹۲، ص ۹۰).

جامعه پژوهش حاضر در حوزه تحلیل متن آیات قرآن کریم است. نمونه پژوهش هم آیات مرتبط با موضوع تحقیق است. در پژوهش تحلیل محتوا، اغلب از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده می‌شود. منظور از نمونه‌گیری هدفمند، انتخاب واحدهای خاص و دسترسی به واحدهایی است که اطلاعات بیشتری درباره عنوان پژوهش در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد. این روش توضیحی و منعطف است. منظور از توضیحی این است که در این روش با توجه به هدف پژوهش، متونی انتخاب می‌شوند که اطلاعات غنی و درک و فهم مفصلی درباره موضوع مورد مطالعه در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهند. منظور از منعطف بودن هم این است که پژوهشگر می‌تواند نمونه منتخب را طی جمع‌آوری داده‌ها پالایش کند؛ یعنی محدود کند یا بگستراند (همان، ص ۹۳). بنابراین، در پژوهش حاضر نیز روش نمونه‌گیری هدفمند مناسب بود و نمونه‌ها براساس نیاز پژوهش و همسو با اهداف پژوهش انتخاب شد. درواقع، ملاک انتخاب نمونه‌ها در بخش متون اسلامی، نزدیکی موضوع متون به‌عنوان پژوهش بوده است.

۳- مفهوم تربیت اقتصادی

امروزه، در ادبیات متعارف مراد از «تربیت اقتصادی»^۱ برنامه‌ها و اقداماتی است که اغلب کشورهای پیشرفته برای فرهنگ‌سازی در حوزه اقتصاد به اجرا درمی‌آورند. بررسی و مطالعه این

1- economic education

تجربیات جهانی به‌خصوص در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد آن‌ها برای مقاطع سنی گوناگون از کودکی تا بزرگسالی، به‌گونه‌ای نظام‌مند اقداماتی انجام داده‌اند تا به این وسیله بتوانند نسلی را برای ورود به عرصه اجتماع آماده کنند. درواقع هدف از این آموزش‌ها این است که نه‌تنها مفاهیم اقتصادی را بدانند؛ بلکه به بهترین وجه، مهارت تفکر اقتصادی را کسب کنند و ضمن بهره‌مندی از یک منطق فکری، قابلیت تحلیل شرایط مختلف اقتصادی و تصمیم‌گیری و انتخاب بهینه را داشته باشند (طغیانی و زاهدی‌وفا، ۱۳۹۱).

تربیت اقتصادی از نظر بکر^۱ (۲۰۰۱، به نقل از پیغامی و تورانی، ۱۳۹۰) تمام مهارت‌ها و توانمندی‌هایی را دربرمی‌گیرد که بر دانش آموزش اقتصاد متمرکز است و شامل محتوای آموزشی، روش‌های تدریس، ارزیابی این روش‌ها و به‌طور کلی اطلاعات اقتصادی عمومی است که از ابتدایی تا پایان دبیرستان معلمان به آن توجه می‌کنند و ضرورت دارد دانش‌آموزان به آن‌ها دست یابند. به‌باور کامینسکی^۲، تربیت اقتصادی عبارت است از: «همه تلاش‌های آموزشی به‌منظور آماده کردن یادگیرندگانی با دانش، توانایی، مهارت، انگیزه و نگرش‌هایی است که آن‌ها را به سازمان‌دهی و مقابله با موقعیت‌های زندگی آینده در شرایط مختلف اقتصادی در ابعاد سیاسی، قانونی، فنی و اخلاقی در سطوح اقتصادی خصوصی و جهانی قادر می‌سازد» (۱۹۹۶، ص ۶).

با توجه به این‌که هدف پژوهش حاضر، تبیین مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در حوزه تولید متناسب با آموزه‌های اسلامی است، ضرورت دارد تربیت اقتصادی متناسب با جامعه اسلامی تعریف شود. تربیت اقتصادی عبارت است از: «ایجاد آمادگی‌های لازم در متری به‌نحوی که ضمن شناختن استعداد اقتصادی خود بتواند آن را به بهترین وجه شکوفا کند و با اتخاذ میانه‌روی از منابع موجود به‌نحوی بهره‌برداری کند که ممکن و میسر باشد و در طریق تولید و توزیع و مصرف، شریعت الهی را در نظر داشته باشد و همه این فعالیت‌ها را درجهت قرب به خدا و کسب رضای او به‌انجام رساند» (ایمانی، ۱۳۹۱، ص ۱۶).

پس از بررسی تعاریف موجود و حوزه‌های دخیل در تربیت اقتصادی می‌توان تربیت اقتصادی را چنین تعریف کرد: «تمام فعالیت‌های آموزشی متناسب با سطح دانش، مهارت و نگرش متری به‌منظور ایجاد توانمندی‌های لازم در وی، به هدف کسب قدرت در تولید با بهره‌برداری از منابع موجود به بهترین وجه برای به‌دست آوردن درآمدی مشروع، توزیع ثروت میان همه افراد جامعه و میانه‌روی در

1- Becker

2- Kaminski

مصرف و بهره‌مندی از آن با درنظر گرفتن شریعت الهی، به‌منظور رسیدن به کمال و سعادت مطلوب». این تعریف با توجه به مبانی زیربنایی این مفهوم یعنی تربیت، اقتصاد و انسان‌شناسی اسلامی استخراج شده است.

۴- مفهوم توزیع

در گذر تاریخ، انسان‌ها همواره به‌شکل‌های گوناگون گرفتار ظلم در زمینه توزیع بوده‌اند؛ زیرا توزیع گاه براساس کاملاً فردی استوار بوده است و گاه برپایه‌ای کاملاً غیرفردی. شیوه نخست، تجاوز به حقوق جمع و شیوه دوم، بی‌ارزش کردن حقوق فردی است. اسلام نظام توزیع در جامعه اسلامی را به‌گونه‌ای بنیان نهاده است که در آن حقوق فرد با حقوق جامعه تلاقی می‌کند؛ ازاین‌رو، مانعی در راه حقوق فرد و تأمین امیال طبیعی او به‌وجود نمی‌آورد؛ همان‌گونه که کرامت جامعه نیز سلب نمی‌شود و حیاتش به مخاطره نمی‌افتد. با این ویژگی، نظام توزیع در اسلام از همه نظام‌های توزیع گوناگونی که انسان در گذر تاریخ آن‌ها را آزموده است تمایز می‌یابد (صدر، ۱۳۹۳).

۵- یافته‌های پژوهش

با توجه به ضرورتی که در تدوین استانداردهایی متناسب با جامعه اسلامی کشورمان احساس می‌شد، پژوهشگران درصدد برآمدند پاسخی برای این پرسش بیابند: مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در حوزه توزیع که در نظام آموزش و پرورش براساس آموزه‌های اسلامی کاربرد دارد، چیست؟ به همین منظور، نخست مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در حوزه توزیع به‌روش تحلیل محتوا استخراج شدند و سپس ذیل مقولات هدف توزیع، ابزارهای مالی توزیع و آسیب‌شناسی توزیع ثروت تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش که مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در حوزه توزیع است، به مؤلفه‌هایی اشاره می‌کند که برای توزیع، انسان نیازمند آن‌هاست تا عدالت محقق شود. برای دستیابی به تربیت اقتصادی در بخش توزیع می‌توان برنامه‌های درسی را براساس این محتوا برای دانش‌آموزان تدوین کرد. به‌طور کلی، مؤلفه‌های شناسایی‌شده در حوزه توزیع براساس یافته‌های پژوهش در نمودار یک ارائه شده و سپس تحلیل برگرفته از آیات به‌همراه استنباط تربیتی برای کاربرست مؤلفه‌های استخراج‌شده در آموزش و پرورش بیان شده است.



نمودار ۱. مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در حوزه توزیع مبتنی بر آموزه‌های اسلامی (نگارندگان مقاله)

مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در حوزه توزیع و چگونگی کاربری آن‌ها در آموزش و پرورش عبارت‌اند از:

۱-۵- برقراری عدالت

الف- تحلیل برگرفته از آیات: عدل به معنای قرار گرفتن هر چیز در جای خود است. در قرآن کریم از توحید تا معاد و از آرمان‌های فردی تا هدف‌های اجتماعی، همه بر محور عدل استوار شده است. عدل در قرآن هم‌سنگ توحید، رکن معاد، هدف تشریح نبوت، فلسفه زعامت و امامت، معیار کمال فرد و مقیاس سلامت اجتماع است؛ از این‌رو، عدالت اقتصادی از مهم‌ترین اصول و والاترین اهداف اسلام است (مطهری، ۱۳۶۷). به نظر می‌رسد تبیین تحقق عدالت در توزیع ثروت که اسلام بر آن تأکید فراوان کرده، از سه طریق امکان‌پذیر است:

- پرداخت مستمره؛ یکی از راه‌های برقراری عدالت، حقوق یا درآمدی است که افراد در ازای کاری

که انجام می‌دهند، دریافت می‌کنند. براساس این حقوق، هرکس کار بیشتری انجام دهد، سهم بیشتری از ارزش افزوده می‌برد. زمانی که در جامعه افراد بر مبنای تلاششان، سهم دریافت کنند، عدالت در جامعه برقرار می‌شود (آیات ۲۵ قصص و ۵۸ اعراف به این مسئله اشاره می‌کنند).

- توجه به فقر: یکی دیگر از راه‌هایی که موجب تحقق این هدف می‌شود، توجه به فقر است؛ البته فقرایی که به هر علتی غیر از تنبلی و تن‌پروری نتوانستند خود را مستحق دریافت درآمد از راه تلاش کنند. اینان یا معلولان و ناتوانان ذهنی و بدنی، سال‌خوردگان، یتیمان و بیماران جامعه هستند یا کسانی که به‌رغم فعالیت و تلاش، به مزد واقعی کار خود دست نیافته‌اند. اسلام برای این افراد در میان اموال توانمندان جامعه سهم لازم و واجبی قرار داده؛ حتی بخشی از اموال توانمندان (مانند زکات و...) را مستقیماً حق این محرومان دانسته و توانمندان را در این قسمت که سهم نیازمندان است، مالک به حساب نیاورده است (آیات ۱۹ ذاریات و ۲۶۸ بقره ناظر به این مسئله است).

- عدم تمرکز سرمایه در دست ثروتمندان: با استناد به آیات و روایات، از مهم‌ترین راه‌های برقراری عدالت این است که اقداماتی صورت گیرد تا سرمایه فقط در میان ثروتمندان در گردش نباشد؛ برای مثال می‌توان ثروتمندان را به سرمایه‌گذاری تشویق کرد؛ این کار هم موجب افزایش تولید می‌شود و هم زمینه برای اشتغال سایر افراد جامعه فراهم می‌آید و به این وسیله، سرمایه فقط در دست ثروتمندان نمی‌ماند. همچنین، اگر خود ثروتمندان امکان سرمایه‌گذاری نداشته باشند، می‌توانند پولشان را به بانک‌ها بسپارند تا بانک آن را به دیگران وام دهد و افرادی که توانایی دارند، با این وام‌ها به امر تولید در جامعه کمک کنند. زمانی که جامعه به این سمت حرکت کند، نه تنها از رکود جلوگیری می‌شود؛ بلکه موجب برقراری عدالت هم می‌شود و تفاوت‌های طبقاتی به مرور کاهش می‌یابد (حشر، ۷).

ب- استنباط تربیتی: دانش‌آموزان ضمن درک مفهوم توزیع و عدالت، باید هدف توزیع یعنی برقراری عدالت را درک کنند و با روش‌های دستیابی به این هدف آشنا شوند. این روش‌ها عبارت‌اند از: پرداخت دستمزد افراد متناسب با تلاش و کاری که انجام داده‌اند؛ توجه به فقرا و کمک به آنان تا بتوانند زندگی خود را اداره کنند؛ جلوگیری از عدم تمرکز سرمایه در دست ثروتمندان (این شیوه موجب گردش سرمایه در دست تمام افراد جامعه می‌شود و رشد و رونق اقتصادی در جامعه افزایش می‌یابد).

۲-۵- انفاق

الف- تحلیل برگرفته از آیات: از آیات و روایت چنین استنباط می‌شود که هر حکمی که در قرآن کریم آمده، براساس هدفی تعیین شده است. تحقق یافتن عدالت - که با توجه به تأکیدات قرآن از مهم‌ترین اصول مورد نظر اسلام، و هدف اصلی از توزیع است - نیازمند ابزارهایی است که یکی از آنها

انفاق است؛ زیرا انفاق موجب توزیع عادلانه درآمد‌ها می‌شود؛ به این صورت که اموال اضافه‌ای که در دست ثروتمندان جامعه است، با رضایت خود آنان به افراد کم‌توان و ضعیف داده می‌شود و به این ترتیب صرفاً این دولت نیست که به محرومان کمک می‌کند؛ بلکه یآوری دارد که با همکاری آن می‌تواند نیازهای فقرا را رفع کرده، به پیشبرد اهداف جامعه کند. اهمیت این مسئله از نظر قرآن بدان پایه است که آن را برای عبدالرحمن وظیفه واجب و قطعی می‌داند و بیان می‌کند احسان خالصانه‌ترین نوع انفاق و یگانه‌ترین راه رسیدن به مقام نیکوکاران است (فرقان، ۶۷؛ آل‌عمران، ۱۳۴).

هر عملی در اسلام احکامی دارد که زمینه مقبول شدن آن عمل را فراهم می‌کند و انفاق هم از این موارد است؛ به همین دلیل، براساس آیات، روایات و تفاسیر اصولی که برای انفاق آورده شده است، عبارت‌اند از (طباطبایی، ۱۳۶۴):

۱. برای رضای خدا و با نیت خالصانه (بقره، ۲۷۲):

۲. با اعتدال و میانه‌روی (اسراء، ۲۹):

۳. پنهانی و بدون خودنمایی (بقره، ۲۷۱):

۴. از چیزهای مورد نیاز و مورد علاقه (دهر، ۸):

۵. بدون منت و آزار (بقره، ۲۶۲):

۶. از مال حلال و طیب (همان، ۲۶۷):

۷. با در نظر گرفتن اولویت‌ها (همان، ۲۷۳):

انفاقی که مطابق این اصول انجام شود، دربردارنده آثاری است؛ زیرا به‌طور کلی انسان هر عمل مثبتی که انجام می‌دهد، از درون احساس خوشایندی دارد و این احساس سبب می‌شود از خودش و عملش راضی شود. این رضایت از خود موجب آرامش (بقره، ۲۶۲) می‌شود.

از سوی دیگر، زمانی که فرد به خداوند ایمان داشته باشد، به وعده‌های او نیز ایمان پیدا می‌کند و می‌داند اگر خداوند فرموده است انفاق موجب برکت مال (همان، ۲۶۱؛ انفال، ۶۰) می‌شود، پس قطعاً چنین است و این حس که با انفاق ارزش مالش بیشتر شده، یعنی به‌نحوی سرمایه‌گذاری پرسودی کرده، موجب رضایت فرد می‌شود؛ علاوه بر برکت مال، این کمک‌های مالی سبب قدرت امت، عزت مسلمانان و بهبود وضع اقتصادی جامعه می‌شود.

ب- استنباط تربیتی: مطابق این مؤلفه، دانش‌آموزان باید با مفهوم انفاق آشنا شوند و ضمن

پی بردن به اهمیت انفاق، جایگاه آن را در اقتصاد به‌عنوان ابزاری مالی برای توزیع درک کنند. پس از فهم انفاق و اهمیت آن، لازم است دانش‌آموزان درک کنند انفاقی که از نظر قرآن و ائمه ارزشمند شناخته می‌شود، باید چه اصول و شرایطی در آن رعایت شود تا به نتیجه مطلوب برسد. در نهایت،

مطابق این مؤلفه، دانش‌آموزان برای درک ارزش انفاق، باید با آثار و نتایج آن آشنا شوند و با نشان دادن این آثار به شیوه‌های مختلف، بیشتر به این عمل تشویق شوند.

۳-۵- قرض

الف- تحلیل برگرفته از آیات: از آیات و روایات چنین برمی‌آید که قرض مورد نظر در قرآن، «قرض‌الحسنه» است (آیات مائده، ۱۲؛ تغابن، ۱۷؛ بقره، ۲۴۵؛ حدید، ۱۸ به این مسئله و آثار و نتایج آن اشاره می‌کنند)؛ یعنی قرضی که به شیوه‌ای نیکو داده شود؛ زیرا در تمام آیاتی که بحث قرض مطرح شده، در کنار آن صفت «حسن» آورده شده است. بر این اساس می‌توان گفت قرض‌الحسنه چند شرط دارد که عبارت‌اند از: ۱. از مال حلال باشد؛ ۲. از چیزهای پست و ناپسند نباشد؛ ۳. در زمان صحت و سلامت آن قرض را اعطا کند؛ زیرا در این زمان هوای نفس بیشتر انسان را به استفاده از آن مال و جلوگیری از دادن آن وسوسه می‌کند؛ ۴. به افرادی داده شود که شایسته دریافت این قرض هستند (به‌طور کلی، تمام اصولی را که در مورد انفاق مورد نظر است، در اینجا و در تمام کمک‌های مالی انسان سفارش می‌کند) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴).

بنابراین، حل مشکلات مردم و کمک به هم‌نوع که فطرتاً در انسان نهاده شده است، موجب می‌شود تا به‌صورت فطری به این عمل گرایش داشته باشد. چون انسان فقط به خود و احتیاجاتش نمی‌اندیشد و به انسان‌های دیگر نیز توجه می‌کند و مشکلات (مالی) آن‌ها را با چشم پوشیدن از مال خود مرتفع می‌کند، خداوند هم در عوض، از گناهانش می‌گذرد. این چنین است که انسان پله‌ای به بالا قدم برمی‌دارد و به هدفی که برای آن خلق شده، یعنی تکامل، نزدیک‌تر می‌شود و صرفاً به مادیات توجه نمی‌کند و همه این‌ها موجبات رشد او را فراهم می‌آورد.

ب- استنباط تربیتی: دانش‌آموزان باید ضمن شناخت جایگاه قرض به‌عنوان یکی از ابزارهای مالی در توزیع، مفهوم آن را در اسلام - که همان قرض دادن به شیوه نیکو یا به بیانی قرض‌الحسنه است - درک کنند و پس از درک مفهوم قرض، با آثار قرض‌الحسنه به شیوه‌های مختلف آشنا شوند.

۴-۵- زکات

الف- تحلیل برگرفته از آیات: با استناد به آیات قرآن کریم، همراهی و همپایی زکات در کنار نماز در آیات قرآن کریم نشان از اهمیت این موضوع است (آیات ۵ بینه، ۷۷ نساء، ۴۱ حج و ۴ لقمان ناظر به این مسئله است). زکات یکی از صدقات واجبی است که خداوند بر آن بسیار تأکید کرده است. نماز و یاد خدا باید در کنار توجه به یاد بندگان باشد؛ یعنی انسان همان‌قدر که به مسائل

معنوی می‌پردازد، باید از مسائل مادی هم غافل نشود و این خود شاهدهی دیگر است بر تشویق قرآن به میانه‌روی؛ زیرا صرف توجه به آخرت و زندگی آن دنیایی و بی‌توجهی به دنیا ارزشمند نیست؛ بلکه باید از زندگی دنیوی پللی ساخت برای سهولت در رفتن به زندگی اخروی. انسان با کشت در این دنیاست که به محصول در آن دنیا دست می‌یابد؛ بنابراین، انسان باید به اطراف خود هم توجه کند و با پرداخت زکات که نوعی مالیات است، برای کمک به توزیع عادلانه در جامعه و پیشبرد اهدافش کمک کند.

با استناد به تفاسیر و روایات می‌توان گفت زکات هم مانند سایر مسائل در اقتصاد اسلامی دارای احکامی است تا عمل مقبولی باشد؛ یکی از این احکام، مصارف زکات است که در آیه ۶۰ توبه به‌طور کامل و واضح بیان شده است. این احکام موجب می‌شود زکات به‌دست کسانی برسد که شایستگی دریافت آن را دارند. این موارد عبارت‌اند از:

۱. فقرا؛ ۲. مسکینان؛ ۳. کارمندان حکومت اسلامی (کسانی که زکات را جمع‌آوری می‌کنند)؛ ۴. جلب دل‌های مخالفان؛ ۵. آزادی بردگان؛ ۶. بدهکاران آبرومند؛ ۷. هزینه‌های عمومی و عام‌المنفعه؛ ۸. در راه‌ماندگان (طباطبایی، ۱۳۷۴).

توجه به اهمیت و ضرورت پرداخت زکات و دقت در رساندن آن به مصرف درست موجب می‌شود زمانی که افراد زکات را پرداخت می‌کنند، نه تنها به خودشان کمک می‌کنند؛ بلکه به دلیل تأثیر فقر در بسیاری از مفاسد، با فراهم کردن زمینه‌های تأمین زندگی محرومان به‌نحوی از این مفاسد جلوگیری می‌کنند و موجب پاک‌سازی و رشد جامعه خود می‌شوند که در آیه ۱۰۳ توبه به این موضوع اشاره شده است. زیرا بخشی از نیرویی که ممکن بوده به تحلیل رود و در بخش‌های نامناسب استفاده شود، به‌درستی مدیریت شده، به‌عنوان نیرویی کارآمد صرف تولید در جامعه می‌شود. به این ترتیب، با استناد به آیه ۳۹ سوره روم سرمایه‌هایی هم که افراد به‌عنوان زکات در این بخش صرف می‌کنند، با رونق اقتصادی در جامعه بر ارزش آن افزوده می‌شود و ثمراتش به خود افراد نیز بازمی‌گردد.

ب- استنباط تربیتی: دانش‌آموزان براساس این مؤلفه، باید اهمیت زکات و علت همراهی نماز با آن را درک کنند؛ زیرا مسلمان در پرتو نماز، ایمان خود را محکم می‌کند و روحش را پرورش می‌دهد و از طریق زکات کمک می‌کند تا شکاف‌های اقتصادی و فاصله‌های طبقاتی جامعه‌اش کم شود و از این طریق، جامعه به شکوفایی اقتصادی دست یابد. پس از پی بردن به اهمیت و جایگاه زکات در اقتصاد اسلامی، باید درک کنند که زکات باید در چه مواردی مصرف شود. در نهایت، برای ترغیب بیشتر دانش‌آموزان به زکات، با آثار آن که شامل ازدیاد مال و پاک‌سازی و رشد جامعه است، در زندگی فردی و اجتماعی خود آشنا شوند.

۵-۵- خمس

الف- تحلیل برگرفته از آیات: یکی دیگر از روش‌های برقراری عدالت در جامعه پرداخت خمس یعنی یک‌پنجم اموال است. نکته ظریف نهفته در مسئله خمس این است که خداوند به دلیل حفظ عزت نفس پیامبر ﷺ، ائمه علیها السلام و منتسبان به ایشان و نیازمند نشدن آنها به سایر افراد و مورد تحقیر قرار نرفتن ایشان توسط افراد جامعه، زکات را بر آنان حرام کرد و در عوض، خمس را مخصوص ایشان قرار داد؛ زیرا خمس مطابق آیه ۴۱ سوره انفال مستقیماً توسط حاکمان یا نماینده آنان دریافت می‌شود، مقدارش مشخص، دائمی و مستمر است و کمک‌های داوطلبانه مردم در آن نیست که هر زمان تمایل داشتند بپردازند؛ بلکه حق و وظیفه‌ای است که باید در زمان مشخص ادا شود.

برای خمس هم مانند سایر ابزارهای مالی توزیع مصارفی در نظر گرفته شده است که در مورد مناسب و به افراد شایسته تعلق گیرد. این مصارف مطابق آیات (تمام مصارف خمس در آیه ۴۱ انفال بیان شده است) و روایات عبارت‌اند از:

۱. سهمی برای خدا و رسولش ﷺ: خمس برای تبلیغ دین خداوند است و به همین دلیل، سهم خداوند هم به پیامبر ﷺ تعلق دارد.

۲. سهمی برای خویشاوندان پیامبر ﷺ: خویشاوندان پیامبر ﷺ که در این بخش براساس تفاسیر، منظور، امامان است، اصلح هستند بر این که خمس در اختیار آنان باشد تا به هر شیوه‌ای که می‌خواهند و در درست‌ترین راه آن را خرج کنند.

۳. بخشی از خمس به یتیمان، مسکینان و در راه‌ماندگان خاندان رسول خدا ﷺ که بنی‌هاشم و سادات هستند، تعلق می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴).

ب- استنباط تربیتی: در این مؤلفه، دانش‌آموزان باید با مفهوم خمس آشنا شوند و جایگاه آن را به‌عنوان یکی دیگر از ابزارهای مالی در توزیع درک کنند. آنان پس از درک مفهوم خمس، باید درباره موارد مصرف آن و افرادی که خمس به آنان تعلق می‌گیرد، آگاهی یابند.

۵-۶- مفاسد اقتصادی

الف- تحلیل برگرفته از آیات: توزیع نابرابر ثروت عامل بروز دو پدیده شوم «فقر» و «تکثر» است. این دو پدیده ناشی از مفاسد اقتصادی است که زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات زندگی، معضلات اجتماعی و مفاسد اخلاقی است (ایروانی، ۱۳۸۴). مفاسد اقتصادی به‌علت بی‌توجهی به سود عادلانه و منفعت‌طلبی افراد برای کسب سود بیش از آنچه حق آنان است، ایجاد می‌شود. برخی از مهم‌ترین مصادیق این مفاسد که در آیات و روایات هم بیشتر بر آنها تأکید شده است، عبارت‌اند از:

- *ربا*: در اقتصاد، ربا مبلغ اضافی یا مقدار زیاده‌ای است که براساس شروط معین، وام‌گیرنده به وام‌دهنده پرداخت می‌کند. این ربا همان بهره‌ای است که اسلام آن را حرام کرده است (حاجی، ۱۳۹۰). از آیات و روایات مورد بررسی استنباط می‌شود که رباخواری گرچه به‌ظاهر منبع درآمد و عامل کام‌یابی است، درواقع زمینه‌محرومیت و عذاب فرد را فراهم می‌کند؛ زیرا این کار موجب می‌شود فقرا فقیرتر و اغنیا ثروتمندتر شوند و عدالت در توزیع از بین برود؛ به این ترتیب، یکی از مسائلی که باید از آن جلوگیری شود، همین مسئله رباست. به همین دلایل، در آیات قرآن کریم رباخوار محارب با خدا معرفی شده است (آیات ۱۶۰ و ۱۶۱ نساء، ۲۷۵ بقره و ۱۳۲ آل عمران به این مسئله اشاره دارند).

- *رشوه*: رشوه‌خواری یکی از بزرگ‌ترین موانع اجرای عدالت اجتماعی است و موجب می‌شود قوانینی که باید مدافع حقوق طبقات ضعیف باشد، برعکس عمل کند. ثروتمندانی که توانایی مالی برای دادن رشوه دارند، قادرند از منافع خویش دفاع کنند و در نتیجه، قوانین به بازیچه‌ای در دستان آنان تبدیل می‌شود تا بیشتر به ظلم و ستم و تجاوز به حقوق ضعیف‌پردازند. با رواج رشوه‌خواری در جامعه، ظلم، فساد، بی‌عدالتی و تبعیض در همه سازمان‌ها نفوذ می‌کند و هدف اصلی توزیع که برقراری عدالت است، از بین می‌رود و چرخه اقتصادی وارد دور باطلی می‌شود که هیچ‌گاه به نتایج مطلوب نخواهد رسید (آیه ۱۸۸ بقره به این مسئله اشاره می‌کند).

- *احتکار و کم‌فروشی*: کم‌فروشی اعتماد و اطمینان را که رکن مهم مبادلات است، از بین می‌برد و نظام اقتصادی را برهم می‌زند. به‌طور دقیق‌تر، کم‌فروشی هر نوع کم‌کاری و کوتاهی در انجام وظایف را شامل می‌شود؛ بنابراین، کم‌فروشی صرفاً به‌معنای کم کردن وزن توسط فروشنده نیست؛ بلکه مصداق آن در کم‌کاری کارمند، تنبلی کارگر، بی‌دقتی در کار و... است (ایروانی، ۱۳۸۴). این مسئله به‌دلیل تأثیر مهمش در چرخه اقتصادی و رسیدن به جامعه مولد، در قرآن و روایات بسیار مورد تأکید قرار گرفته است (آیات ۱ تا ۳ مطففین و آیه ۸۵ اعراف به این مسئله اشاره می‌کنند).

ب- استنباط تربیتی: دانش‌آموزان باید با مفهوم مفاسد اقتصادی و مصادیق آن آشنا شوند. این

مفاسد عبارت‌اند از:

- *ربا*: براساس این مؤلفه، ضمن درک مفهوم ربا، باید دلایل نهی از آن را نیز فهمید تا بهتر بتوان

آن را به‌عنوان مفسده‌ای اقتصادی شناخت.

- *رشوه*: دانش‌آموزان باید این مؤلفه را به‌عنوان یکی از مصادیق مفاسد اقتصادی بشناسند و از طریق

آشنایی با پیامدهای آن - از جمله حذف عدالت، یأس و ناامیدی فقرا، جرئت و جسارت ثروتمندان، فساد

کارکنان حکومت اسلامی مانند حاکم و قاضی و کارمند، و از بین رفتن اعتماد عمومی - درک کنند که

چرا رشوه یکی از گناهان بزرگ و از مصادیق مفاسد اقتصادی شمرده می‌شود.

-/احتکار و کم‌فروشی: دانش‌آموزان باید درک کنند کم‌فروشی و تقلب در معامله، کم‌ارزش جلوه دادن اجناس مردم و ایجاد خلل در اقتصاد، حرام است و از مصادیق فساد اقتصادی شمرده می‌شود و از آسیب‌های توزیع ثروت است.

۶- نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت و ضرورت تربیت اقتصادی برای دانش‌آموزان، در این پژوهش مفهوم تربیت اقتصادی با توجه به مبانی زیرساختی آن یعنی اقتصاد، انسان‌شناسی و تربیت بازتعریف شد که عبارت است از: «تمام فعالیت‌های آموزشی متناسب با سطح دانش، مهارت و نگرش متربی به‌منظور ایجاد توانمندی‌های لازم در وی، با هدف کسب قدرت در تولید با بهره‌برداری از منابع موجود به بهترین وجه، برای به‌دست آوردن درآمدی مشروع، توزیع ثروت میان همه افراد جامعه و میانه‌روی در مصرف و بهره‌مندی از آن با درنظر گرفتن شریعت الهی، به‌منظور رسیدن به کمال و سعادت مطلوب».

یافته‌های پژوهش بیانگر این است که مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در حوزه توزیع، در سه مقوله کلی هدف توزیع، ابزارهای مالی توزیع و آسیب‌شناسی توزیع ثروت قابل طبقه‌بندی است. ذیل مفهوم توزیع، مقوله هدف توزیع که به‌وسیله مؤلفه برقراری عدالت تحقق می‌یابد، مقوله ابزارهای مالی توزیع با مؤلفه‌های انفاق، قرض، زکات و خمس و مقوله آسیب‌شناسی توزیع ثروت با مؤلفه مفاسد اقتصادی شامل ربا، رشوه و کم‌فروشی تبیین شد. بر مبنای مؤلفه‌های استخراج‌شده، استنباط‌های تربیتی بیان شد تا اهداف آموزشی در سطوح شناختی، نگرشی و توانشی توسط متخصصان تعلیم و تربیت تدوین شود و مورد استفاده آموزش و پرورش قرار گیرد؛ همچنین، راه را برای ادامه یافتن پژوهش‌هایی در این زمینه و طراحی و تدوین برنامه‌های درسی و محتوا در زمینه تربیت دانش‌آموزانی با قابلیت‌های مورد نیاز در عرصه اقتصاد برای رسیدن به جامعه آرمانی اسلامی بگشاید.

وجه تمایز این پژوهش با سایر پژوهش‌هایی که به موضوع تربیت اقتصادی اختصاص دارند، این است که در پژوهش حاضر مؤلفه‌های تربیت اقتصادی به‌صورت دقیق‌تر بررسی شده و استخراج مؤلفه‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی صورت گرفته است؛ اما در پژوهش‌های دیگر با بیان مستقیم آیات و روایات مورد بررسی، به بیان مؤلفه‌های تربیت اقتصادی پرداخته شده و هدف از آن‌ها استفاده در آموزش و پرورش و تدوین اهداف نبوده است. باری، هدف از تربیت اقتصادی در حوزه توزیع، پرورش انسان عادل است؛ زیرا مطلوب مورد نظر آن، فردی است که به‌دنبال جلب بیشترین سود مادی و معنوی، و فردی و اجتماعی با کمترین هزینه است که در همه موارد رضای پروردگار را در نظر می‌گیرد و در تمام رفتارهای اقتصادی، حد متوسط را رعایت می‌کند.

منابع

- ابوالمعالی، خدیجه (۱۳۹۲)، «تحلیل کیفی متن: استقرا/ قیاس»، *دوفصلنامه مطالعات معارف اسلامی و علوم تربیتی*، س ۱، ش ۱، صص ۸۴-۱۰۲.
- ایروانی، جواد (۱۳۸۴)، *اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث*، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- ایمانی، محسن (۱۳۹۱)، «تربیت اقتصادی در راستای تحقق تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی»، پیوند، ش ۳۹۰ و ۳۹۱، فروردین و اردیبهشت، صص ۱۵-۱۶.
- بهشتی، محمد (۱۳۸۷)، *مبانی تربیت از دیدگاه قرآن*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- پیغامی، عادل و حیدر تورانی (۱۳۹۰)، «نقش برنامه درسی اقتصاد در برنامه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی دنیا: ارائه یک برنامه عمل برای یک برنامه درسی مغفول»، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، س ۹، ش ۳۷، صص ۳۱-۵۲.
- جدیری، محمدحسن (۱۳۷۸)، *تربیت اقتصادی کودکان از دیدگاه اسلام*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی گل‌بابا سعیدی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز، تهران.
- حاجی، جعفرعباس (۱۳۹۰)، *مکتب اقتصادی اسلام*، سیدمحمد کاظم رجایی رامشه و محمد مهدی کرمی، تهران: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حیدری، حسن (۱۳۸۰)، *تربیت اقتصادی از دیدگاه اسلام*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی گل‌بابا سعیدی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز، تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دارالقلم.
- رفیعی، بهروز (۱۳۸۱)، *آراء اندیشمندان مسلمان*، ج ۳، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- سبحانی‌نژاد، مهدی و حمید علیین (۱۳۸۵)، «ابعاد تربیت دینی از دیدگاه صحیفه سجادیه»، *مجله مشکوة*، ش ۹۱، صص ۷۷-۹۳.
- صدر، محمدباقر (۱۳۹۳)، *اقتصاد ما*، ترجمه سیدمحمد مهدی برهانی، قم: شریعت.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طغیانی، مهدی و زاهدی وفا محمدی (۱۳۹۱)، «امکان بهره‌گیری از آثار تمدن اسلامی در طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی فرهنگ اقتصادی»، *مجله معرفت اقتصاد اسلامی*، س ۲، ش ۲، بهار و تابستان، صص ۵۵-۷۶.

طهماسبی سروسناتی، رابعه (۱۳۷۹)، *تربیت اقتصادی در نهج البلاغه*، به راهنمایی علی قائمی امیری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز، تهران.

علم‌الهدی، جمیله (۱۳۸۹)، *نظریه اسلامی تعلیم و تربیت*، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۷)، *مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی*، چ ۱۳، تهران: صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب اسلامیة.

Kaminski, H. (1996), *Economic Education in Secondary School*, Neuwied: Luchterhand.

Santomero, A. (2003), *Knowledge is Power: Importance of conomic Education*, Westchester: Westchester University Press

Siegfried, J. & Meszaros, B. (1998), "Voluntary Economics Content Standards for America's Schools: Rationale and Development", *The Journal of Economic Education*, Vol. 29, No. 2, pp. 139-149.

Walstad, W.B. & Soper, M. (1988), "economic education in us. High schools", *Journal of Economic Perspective*, pp. 24-36.

Walstad, W.B. (2005), *Economics in U.S. High School*, Lecture in Nation Summit on Economic Education in Japan, <http://www.esri.Go.jp/workshop>.